



به یاد داشته باشید که هر که اندک بکارد، اندک هم خواهد دروید، و هر که با برکت خدا بکارد، با برکت خدا نیز بر خواهد داشت. هر کس همان قدر بدهد که در دل قصد کرده است، نه با اکراه و اجبار، زیرا خدا بخشنده شادمان را دوست می‌دارد. و خدا قادر است هر نعمت را برای شما بس فزونی بخشد تا در همه چیز همواره همه نیازهایتان برآورده شود و برای انجام هر کار نیکو، به فراوانی داشته باشید. چنانکه نوشته شده: «با گشاده‌دستی به نیازمندان بخشیده، نیکوکاری‌اش جاودانه پاینده است. 10 و او که بذر را برای کشاورز و نان را برای خوردن فراهم می‌سازد، بزرگان را مهیا ساخته، فزونی خواهد بخشید و محصول

پارسایی شما را فراوان خواهد ساخت 11. آنگاه از هر حیث دولت‌مند خواهید شد تا بتوانید در هر فرصتی سخاوتمند باشید، و این سخاوت شما به واسطه ما به سپاس خدا خواهد انجامید. 12 انجام این خدمت، نه تنها نیازهای مقدسین را برآورده می‌سازد، بلکه به صورت سپاسگزاریه‌های بسیار حتی به سوی خدا سرریز می‌شود. 13 به‌خاطر مهر تأیید این خدمت بر زندگی شما، مردم خدا را برای اطاعتی که با اعتراف شما به انجیل مسیح همراه است تمجید خواهند کرد، و نیز برای سخاوتی که در کمک به آنها و به همه نشان می‌دهید. 14 آنان به‌خاطر فیض عظیم خدا که بر شماست، با علاقه و اشتیاق بسیار برای شما دعا خواهند کرد. 15. سپاس بر خدا برای عطای وصف‌ناپذیرش!

یک خانواده جوان در شرایط اضطراری بزرگ در عمق تاریکی از ایران فرار کردند. پرواز تهران به فرانکفورت حدود ۵ ساعت و نیم طول می‌کشد. سفر آن خانواده، ۵ ساعت و نیم نبود، بلکه تقریباً ۵ سال به طول انجامید. و این سفر همچنین تهدید کننده بود. اما در نهایت آنها به آلمان رسیدند. تنها یک مشکل ماند. طبق قانون اروپا کسی که به یک کشور وارد می‌شود باید به آن کشور بازگردد. طبق آن قانون خانواده مجبور بود به ایتالیا بازگردد. در آنجا آنها مجبور بودند با شرایطی بسیار وخیم در یکی از اردوگاه‌های پناهندگان زندگی کنند. اما خدا با آنها بود. آنها توانستند کلیسا را پیدا کنند که آنها را حمایت کرد و فقط بایستی ۶ ماه در ساختمان کلیسا می‌ماندند، پس از آن می‌توانستند به طور نرمال برای پناهندگی در آلمان درخواست کنند. جامعه ای کلیسا از این خانواده بسیار مراقبت می‌کردند. آنها تحت مراقبت‌های پزشکی قرار داشتند و جامعه بودجه ای را برای تأمین معاش جمع‌آوری کرده اند. تیمی از کارکنان تمام خریدها را انجام می‌دادند. برخی از کارکنان خوب حتی درس زبان ارائه می‌دادند و از خانواده آسیب دیده پشتیبانی می‌کردند. و بنابراین ۶ ماه به سرعت گذشت. این خانواده از پناهندگی کلیسا خارج شدند و حتی حق اقامت نیز به آنها داده شد. این خانواده سرانجام توانستند زندگی جدید خود را در اینجا در آلمان بسازند و شروعی جدید ایجاد کنند. اما یک مشکل کوچک هنوز در وجدانشان مانده بود. مدت کوتاهی قبل از آزادی آنها از پناهندگی کلیسا، کشیش تقاضای لطفی کرد: او به آنها گفت که تیم مددکاران کلیسا کوچکتر شده بود و کار برای بقیه دشوارتر شده بود. خانواده دیگری به پناهندگی کلیسا احتیاج داشتند و کشیش نمی‌توانست آنها را با این تعداد کم کارمندان کمک کند. درخواست او این بود که آیا این خانواده می‌توانند به تیم مددکاران بپیوندند تا تیم بتواند راحتتر کار کند. و سپس یک اتفاق دیوانه وار رخ داد. خانواده امتناع کردند. آنها نمی‌خواستند آن کار را بکنند! ازاد شدن برای شان مهمتر از نیاز دیگران بود. آنها همچنین نمی‌خواستند زمان فرار را به یادآورند. همچنین آنها نمی‌خواستند از نیازهای دیگران را مراقبت کنند. آنها می‌خواستند اکنون مراقب زندگی خودشان باشند! به این دلیل خانواده‌های دیگر نمی‌توانستند به آن کلیسا فرار کنند. هرکسی باید به مشکلات خودش رسیدگی کند! دنیا ی ما اینگونه است. اقتصاد امروز همینگونه ساخته شده است. این گونه عمل می‌کند که همه برای بدست آوردن هدف‌های خودشان مبارزه می‌کنند، به عبارت دیگر، به طوری که هر کس به مسائل خود اهمیت می‌دهد و برای چیزهای خود می‌جنگد. ولی انجیل یک نوع تجارت دیگری را در پیش گرفته است. و به این معنی است که ما می‌توانیم بدون تردید بذرهای برکت در همه جا بپاشیم و در نهایت محصول آن را به همه برادر و خواهر‌های مان تقسیم نماییم چراکه این کار را خدای مهربان با ما انجام می‌دهد. متن ما می‌گوید: ما نه تنها اجازه داریم به فکر خودمان باشیم، بلکه از دیگران نیز پشتیبانی می‌کنیم. ما حتی اجازه داریم چیزهایی را که خدا به ما می‌دهد به دیگران منتقل کنیم. و با برادران و خواهرانمان شریک شویم، زیرا خدا بخشنده شادمان را دوست می‌دارد. بنابراین ما مجاز هستیم آنچه را که با کار و عملکرد خود به دست آورده ایم، به دیگران بدهیم. پولس در ادامه تأکید می‌کند که سهم مالی که ما به کلیسا می‌دهیم از ریشه عمیق معنوی رشد می‌کند. در اینجا پولس به اصول اساسی اشاره می‌کند. موضوع در مورد ایمان ماست. و رفتار ما با داشته‌های مان به میزان ایمان مان مربوط می‌شود. بنابراین کلیسا هیچ وقت به دنبال پول افراد ثروتمند نیست بلکه می‌خواهد اشاره کند که دارایی ما ربطی به ایمان دارد. حتی مقدار پولی که می‌دهیم مهم نیست. پولس نیز تأیید نمی‌کند که "آنکه دانه بسیار بکارد محصول فراوان درو خواهد نمود بلکه تأیید کرد که هر که با برکت خدا بکارد، با برکت خدا نیز بر خواهد داشت! " بنابراین موضوع در اینجا در مورد نظر ایمان نسبت به دارایی مان است. پشت کل جهان، خدا ایستاده است. خدایی که به هر حال همه چیز را به ما داده است و هنوز می‌دهد.. پولی که داوطلبانه به کلیسا می‌دهیم مثل اعتراف ایمان

است. از این طریق اعلام می کنیم که هر آنچه هستیم متعلق به خدای زنده است. و با هدیه خود تأیید می کنیم که چنین است. خدا همه اینها را به ما نداده است تا آن را به صورت خودخواهانه استفاده می کنیم. نه، ما همه چیز را به عنوان وام از خدا گرفتیم. بنابراین ما دنبال اراده خدا هستیم. و خدا چه از دارایی ما انتظار دارد؟ و چگونه با چیزهایی که خدا به ما داده است برخورد می کنیم؟

هر که اندک بکارد، اندک هم خواهد دروید، و هر که با برکت خدا بکارد، با برکت خدا هم بر خواهد داشت.

ما باید عبارت «اندک بکارد» را دقیقتر بررسی کنیم. و از خودم پرسیدم آیا حتی می توان به میزان کم بذر کاشت؟ حداقل تصور می کنم که کشاورز نمی خواهد کم بذر بکارد بلکه یک سبد پر از دانه دارد. او دقیقاً می داند که دانه های زیاد گیاهان بیشتر و محصول بیشتر نیز به ارمغان می آورند. به همین دلیل است که او زیاد می کارد. او سعی می کند هر چه بیشتر بذر بهتر بکارد تا برداشت به اندازه کافی باشد. اما کسی که کم می کارد مشکل کاملاً متفاوتی دارد. او اصلاً نظری در مورد برداشت محصول ندارد. به احتمال زیاد چشم هایش روی دانه های سبزش تمرکز می کند. او اعتقاد ندارد که دانه هایی که در زمین می افتند محصول را به ارمغان می آورند. او فکر می کند دانه هایی که می ریزد برای همیشه از بین خواهند رفت. این یک اشتباه بزرگ است و باعث گرسنگی و رنج می شود. وقتی این مثال را برای کلیسای ما به کار می برم، می بینم که مکان های زیادی وجود دارند که خالی هستند. کلیسای ما به افرادی نیاز دارد که برای آن کار کنند و کارمندها همیشه کمبود دارند. کلیسای ما به وسایل زیاد هم نیاز دارد تا بتواند در مکان های مختلف به مردم کمک کند و انجیل را اعلام کند. و تلاش زیادی می طلبد تا کار کلیسا پیروز شود. ما همچنین به پول احتیاج داریم. شاید مهمتر از همه، کلیسای ما به دعا احتیاج دارد. ما باید در مورد این موارد صحبت کنیم و هر یک از ما باید بپرسیم: «چگونه یا کجا می توانم در کلیسا و کار خدا سهیم باشم.» صادقانه بگویم، «کاشت در کلیسا» شبیه کاشت در بیابان بزرگ است. سبد کوچک ما، که ما هر هفته اینجا برای کمک های داوطلبانه قرار می دهیم، سرانجام تنها چند سنت قهوه ای در یافت کرد ... و اکنون آن کاملاً خالی مانده است. من نگرانی در مورد پول ندارم زیرا خدا همیشه کلیسای خود را حفظ خواهد کرد. مهم نیست که کلیسا پول زیادی یا کمی دارد. همچنین منظور من این نیست که میزان پول مهم است. اما چیزی که من را نگران می کند این است که می بینم ما مسیحیان نیز چقدر تحت تأثیر جهان هستیم. ما دستور کار جهان را به خوبی می شناسیم. و این دستور کار این است که برای زنده ماندن باید جنگید. شما باید از روی اجساد عبور کنید تا خودتان به جسد تبدیل نشوید. اوضاع در جهان به هیچ وجه نباید در کلیسا باب شود. در این دنیای ناعادلانه، پولس در نامه ای به قرننتیان استانداردهای کاملاً متفاوتی را وضع کرده است. ما باید حسد و خساست را ترک کنیم. و در عوض باید بدون اجبار و با صمیم قلب به دیگران بدهیم! اما چگونه می توانیم این کار را انجام دهیم؟ وقتی همه جا در اطراف خود می بینیم چگونه یک بی عدالتی منجر به بی عدالتی بعدی می شود ما می خواهیم از جهان فرار کنیم تا دست کم خانه خود را در امنیت نگاه داریم. و بنابراین شادی در واقع نمی تواند رشد کند. متوجه می شوم که مشکل در مورد کاشت نیست بلکه مشکل در مورد برداشت آن است. زیرا همه ما می توانیم بفهمیم که کاشت مفید و خوب است. لازم نیست مدت زیادی به اطراف خود نگاه کنیم تا ببینیم بذر خوب در این دنیا ناپاک خیلی کم هست. همه جا به آن احتیاج داریم. همه جا مکانهایی وجود دارند که من و شما می توانیم به کسانی دیگر کمک کنیم. مشکل این نیست که کجا بکاریم. مشکل این است که بعد از آن چه اتفاقی خواهد افتاد. مشکل این است که نمی توانیم اعتماد داشته باشیم که بذر ما بتواند جهان را تغییر دهد. - بنابراین گرفتاری بزرگی وجود دارد. برداشت کجاست؟ از کارم چه نتیجه ای می گیریم؟ وقتی اسکناس ۱۰ یورویی را در مجموعه خود می گذارم، ناگهان اسکناس ۱۰ یورویی جدیدی در جیبم پیدا نمی کنم. نه! اسکناسی که داده شده است فعلاً از بین رفته و بر نمی گردد. با این حال خداوند به این مشکل بر داشت جواب داد. خداوند به همه رنجهای جهان پاسخ داد. این پاسخ از طریق خود عیسی مسیح آمده است. او، که واقعاً ثروتمندترین کس است و بدون محدودیت است، همچنین دارای عشق بی حد و حصر است، که دارای قدرت بسیار است، همه چیز را بخشیده است! عیسی مسیح به سوال در مورد برداشت محصول با خودش پاسخ می دهد. عیسی مسیح دانه گندمی است که در زمین گذاشته شده ... و اکنون می توانیم آن را ببینیم و می توانیم چشم مان را به همسایه باز کنیم ... و ما می توانیم بخشیم و بدهیم. قدردانی افزایش می یابد ... عدالت نیز، شادی نیز ... زیرا خدا بخشنده شادمان را دوست می دارد آمین